

باسمه تعالی



رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاربرگ طرحنامه پژوهشی

(Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی‌کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می‌داند.

عنوان طرح: تحولات قومی و زبانی در افغانستان

ارائه‌دهنده: محمد امینی

خلاصه طرح:

موضوع طرح، تحولات قومی و زبانی در افغانستان است که با رویکرد جامعه‌شناختی تبیین می‌شود. اسناد و مدارک موجود در صد سال اخیر حاکی این واقعیت است که در برخی مقاطع، اختلاف جدی بر سر حاکمیت قومی و نوعیت زبان صورت گرفته است. این موضوع با استفاده از چارچوب مفهومی «عصبیت» ابن خلدون انجام می‌شود. طرح حاضر، این موضوع مهم را در سه بخش و ده فصل انجام خواهد داد. بخش اول شامل مفاهیم اساسی، کلیات و چارچوب مفهومی است که در قالب دو فصل بیان می‌شود. بخش دوم ساختار زبان، قوم و قدرت در جامعه افغانستان را طی دو فصل مورد بررسی قرار می‌دهد و بخش سوم نیز، نمودهای قومیت و زبان در ساختار قدرت سیاسی را در شش فصل تبیین می‌کند که شامل شش مقطع تاریخی یا نظام سیاسی می‌شود. این شش نظام سیاسی که هرکدام با تفاوت‌هایی بر تسلط اقوام بزرگ (پشتون، تاجیک، هزاره و ازبیک) و نوعیت زبان (فارسی و پشتو) تأثیرگذار بوده‌اند عبارت‌اند از: نظام سلطنت، نظام جمهوریت، جمهوری دموکراتیک، دولت مجاهدین، نظام جمهوری اسلامی و امارت اسلامی طالبان.^۱

^۱. تذکر:

۱. دکتر اسفندیاری فرمایش داشت که عنوان تحول قومی و زبانی عام‌تر از پرسش‌ها و متن است. در پاسخ باید گفت: عنوان از طرف پژوهشگاه پیشنهاد شده است. به لحاظ جامعه‌شناختی مباحث اصلی و چالش‌های عمده در تحولات قومی و زبانی در افغانستان، همان مسائلی است که در سوالات مطرح شده است، از این رو، اولاً پرسش‌ها با عنوان ارتباط وثیق دارد و نیاز به تغییر نیست، ثانیاً اگر بنا باشد تغییری در عنوان صورت بگیرد، عنوان: «مواجهه نظام سیاسی با قوم و زبان در افغانستان»، مناسب می‌باشد.

تاریخ ارائه: ۱۴۰۱/۶/۱۲ مدت اجرا: یک سال. بودجه پیشنهادی:

ویرایش اول: ☐ دوم: ☒ سوم: ☐ چهارم: ☐

پژوهشگر: گروه: پژوهشی:

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

* نوع پژوهش: بنیادی ☐ کاربردی ☒ توسعه‌ای ☐

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می‌گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می‌شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه‌ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش‌ها و مکانیزم‌ها و محصولات منجر می‌شود.

۱. مشخصات مجری یا مدیر طرح:

نام و نام خانوادگی: محمد امینی نام پدر: شماره شناسنامه: محل تولد: افغانستان

محل صدور: سفارت افغانستان سال تولد: روز . ماه سال ۱۳۵۳.. آخرین مدرک تحصیلی (دانشگاهی/حوزوی): دکتری و سطح

چهار حوزه رتبه علمی (دانشگاهی / حوزوی): پایه استخدامی:

کد ملی:

نشانی محل کار: کد پستی:

نشانی منزل: .. قم کد پستی:

تلفن منزل:.. تلفن محل کار: تلفن همراه: . نمابر: آدرس پست الکترونیک:

سوابق تحصیلی از لیسانس به بعد:

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل	نام کشور	سال اخذ مدرک
------	-------------	-------------	-----------	----------	--------------

۱	ارشد	فلسفه علوم اجتماعی	مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی	ایران	۱۳۸۰
۲	دکتری	اندیشه معاصر مسلمین	جامعه المصطفی	ایران	۱۴۰۰
۳	سطح چهار حوزه	فقه و معارف	جامعه المصطفی	ایران	۱۳۸۷
۴					

سوابق شغلی و تجربی (به ترتیب از حال حاضر به قبل):

ردیف	محل کار	سمت	مدت	شهر-کشور
۱	قم	رئیس کمیسیون پژوهشی جامعه روحانیت دایکند	دو سال	قم
۲	قم	معاون انجمن علوم قرآن	هشت سال	قم
۳	قم	سر دبیر گفتمان وحی	هشت سال	قم
۴	قم	معاون اتحادیه طلاب افغانستان	دو سال	قم
۵	قم	سر دبیر فصلنامه روزگار	چهار سال	قم
۶	قم	معاون دبیر همایش وحدت ملی	دو سال	قم

طرح‌های تحقیقاتی انجام داده و یا در حال اجرا:

ردیف	پروژه	محل اجرا	سال اجرا	وضعیت	نوع همکاری	مبلغ
۱	بیداری اسلامی	مدرسه حجتیه	۱۳۹۰	تمام	گروهی	
۲	دانشنامه هزاره	بنیاد دانشنامه هزاره	۱۳۹۸	ادامه دارد(ج ۱) چاپ شده و ج ۲ در حال چاپ)	گروهی	
۳	دانشنامه هزاره یک طرح کلان و بنیادی در سطح جامعه شیعه-هزاره افغانستان است که احتمالا تا ۱۵ جلد ادامه خواهد یافت و ج ۱ و ۲ آن هر کدام بیش از هزار صفحه است					
۴						
۵						
۶						
۷						
۸						
۹						
۱۰						

دیگر فعالیت‌های پژوهشی (کتاب، مقاله و ...):

ردیف	عنوان فعالیت پژوهشی	محل	ناشر	سال
۱	در تکاپوی عدالت	شخصی	کابل، مطبعه اکبر	۱۳۹۸
۲	ریشه‌ها و شاخص‌های بیداری اسلامی	جامعه المصطفی	معاونت ارتباطات و امور بین الملل	۱۳۹۰
۳	رابطه اسلام و ناسیونالیسم با تطبیق بر جریان‌های فکری و سیاسی افغانستان	رساله دکتری	آماده چاپ	
۴	بررسی تطبیقی عدالت اجتماعی از دیدگاه شهید صدر و جان رالز،	پایان نامه برتر چشن‌واره (شیخ طوسی)	آماده چاپ	
۵	بررسی تطبیقی زمینه‌های فکری-اجتماعی طالبان و داعش	جامعه المصطفی	فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اندیشه معاصر مسلمین،	۱۳۹۹
۶	رابطه اسلام و ناسیونالیسم	جامعه المصطفی	فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اندیشه معاصر مسلمین،	۱۴۰۱
۷	چیستی عدالت اجتماعی و شاخص‌های آن از نظر جان رالز	افغانستان	فصلنامه پژوهشی «آفاق»	۱۳۹۷
۸	قشر بندی و نظام نابرابری‌های اجتماعی در افغانستان		فصلنامه علمی فرهنگی روزگار	۱۳۸۷
۹	عدالت و حقوق در اندیشه جان رالز	بنیاد اندیشه	بنیاد اندیشه	۱۳۹۸
۱۰	نقد و بررسی نگرش قرآنی نواندیشان مسلمان درمسأله حجاب	دانشگاه الزهرا	تهران، دانشگاه الزهرا	۱۳۹۷

۲۰ مقاله و ارائه ۶ نشست و میزگرد علمی

۲. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال‌های تحقیق):

افغانستان یک جامعه سنتی و چند فرهنگی (چند خرده فرهنگی) است که در آن، اقوام متکثر، زبان‌های متعدد، مذاهب مختلف و خرده فرهنگ‌های گوناگون، حضور دارند. در جامعه چند خرده فرهنگی، یکی از مباحث اساسی، بحث تحولات قومی، مذهبی و زبانی است، که چه فرایندی را طی کرده، مواجهه و رویکرد نظام سیاسی (دولت‌ها) با آن‌ها چگونه بوده است. جامعه افغانستان از جمله جوامعی است که در آن، قومیت، زبان و مذهب با قدرت سیاسی گره خورده و در برخی مقاطع و دوره‌ها، میان اقوام و قبیله‌های مختلف، تقابل‌های ویران‌گری صورت گرفته‌اند که عمدتاً در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است. علیرغم این‌که مردم افغانستان در طول تاریخ، تعامل سازنده و زیست مسالمت‌آمیز داشته‌اند، اما در برخی مقاطع مانند دوران عبدالرحمن، دوران نادرخان، دوران داود و دوران طالبان، در اثر دخالت‌های حاکمان نالایق، افراد افراطی و دخالت‌های کشورهای بیگانه، حساسیت‌های قومی و زبانی به یکی از مباحث جنجالی و بحران‌زا تبدیل شدند.

براین اساس، در بیش از یک قرن اخیر، به دلیل ضعف‌های ساختارهای اجتماعی-سیاسی از یک طرف و سوءاستفاده فعالین قومی و زبانی به خصوص نخبگان سیاسی قوم‌گرا از سوی دیگر و دخالت‌های بازی‌گران خارجی، از جانب سوم، نوعی رقابت منفی بر سر منابع کمیاب، میان اقوام شکل گرفت و مسائل قومی و زبانی، رفته رفته، از حوزه فرهنگی و اجتماعی خارج شد و جنبه سیاسی پیدا کرد تا جای‌که قومیت و زبان‌گرایی (در قالب دو زبان فارسی و پشتو) مبنای شیوه‌ی کنش‌های فردی و اجتماعی در میان گروه‌های قومی و زبانی و حاکمان قوم‌مدار قرار گرفتند. از همین‌رو، در برخی مقاطع و دوره‌ها، شاهد شکاف و کشاکش‌های قومی و زبانی بوده ایم که ضربات بسیار مهلکی به وحدت ملی و هم‌بستگی اجتماعی وارد کرده است. وضعیت یادشده از منظرهای مختلف قابل بررسی است، اما تحقیق حاضر، تلاش دارد موضوع مذکور؛ یعنی تحولات قومی و زبانی در افغانستان را با استفاده از نظریه «عصبیت» ابن خلدون تبیین کند و نمودهای قومیت و زبان‌گرایی را در قدرت سیاسی افغانستان با بهره‌گیری از این نظریه نشان دهد. ابن خلدون متفکر برجسته مسلمان است که نظریه «عصبیت» را به‌عنوان هسته تبیین

مسائل اجتماعی و تاریخی در جوامع بدوی و شهری به کار برد.

همان‌طور که ابن خلدون در تبیین مسائل اجتماعی و تحلیل تاریخ بر مفهوم عصبيت متمرکز شده است و «عصبيت» را عامل اصلی انسجام اجتماعی و شوکت جامعه می‌داند و حتا از آن، در جهت تبیین نظریه خلافت استفاده می‌کند؛ در جامعه افغانستان نیز، عقبه فکری و اجتماعی، حکومت‌های قوم‌مدار و افراد قوم‌گرا، را «عصبيت» تشکیل می‌دهد. عصبيت در نگاه ابن خلدون، شامل انواع مختلف عصبيت نسبی، هم‌پیمانی، دینی و زبانی می‌شود که در این میان عصبيت نسبی، عصبيت اصیل و یک امر طبیعی محسوب می‌شود.

در جامعه افغانستان و در برخی مقاطع تاریخی نیز، نمودهای مختلف عصبيت، هم‌چون عصبيت قومی، مذهبی و زبانی، به‌روشنی مشاهده می‌شود که عصبيت قبیله‌ای و قومی بر سایر مصادیق عصبيت غلبه دارد و همین امر، یعنی عصبيت قومی و زبانی و عجین شدن آن، با قدرت، نقش عمده در دگرگونی‌های قومی و زبانی داشته است. البته درست است که دولت‌ها همه چیز را تغییر داده نمی‌تواند و در تحول زبان عوامل چون ارتباطات، تهاجم فرهنگی غرب، گرت‌برداری و رسانه نقش دارند، اما تجربه زیسته افغانستان و نگاه جامعه شناختی به تحولات قومی و زبانی در این کشور به روشنی نشان می‌دهد که نظام قدرت نقش اساسی در تحولات قومی و زبانی داشته است. باوجود این، در متن تحقیق، تأثیر عوامل یاد شده در تحول زبان فارسی به‌طور اجمال بحث خواهد شد، ولی تمرکز اصلی بر نقش دولت‌ها و حاکمان قوم‌گرا در تحول قومی و زبان فارسی هست که نقش بسیار عمده در قوم‌گرایی و فارسی‌زدایی داشته و دارد.

بنابراین، تجزیه و تحلیل نظریه عصبيت ابن خلدون و بررسی چهار مقوله قبیله، زبان، دولت و مشروعیت می‌تواند فرایند تحول قومی و زبانی را در ساختار اجتماعی-سیاسی جامعه افغانستان تبیین کند و نشان دهد که شالوده اغلب دولت‌ها در صد ساله اخیر، برپایه‌های قبیله، قوم، زبان و قرائت مذهب قبیله‌ای استوار شده است. از این‌رو، پرسش‌های که در تحقیق حاضر به آن، پاسخ داده می‌شود، عبارت اند از:

سوال اصلی: مواجهه قدرت سیاسی(دولت‌ها) با پدیده‌های قوم و زبان در افغانستان چگونه بوده است؟

سوال‌های فرعی:

۱. مواجهه نظام سلطنت با قوم و زبان چگونه بوده است؟
۲. مواجهه نظام جمهوریت با قوم و زبان چگونه بوده است؟
۳. مواجهه جمهوریت دموکراتیک با قوم و زبان چگونه بوده است؟
۴. مواجهه دولت مجاهدین با قوم و زبان چگونه بوده است؟
۵. مواجهه نظام جمهوری اسلامی با قوم و زبان چگونه بوده است؟
۶. مواجهه امارت اسلامی طالبان با قوم و زبان چگونه بوده است؟

اهمیت ، ضرورت و اهداف تحقیق:

اهمیت تحقیق: یکی از بحث‌های اساسی در جوامع چند خرده فرهنگی نظیر جامعه افغانستان، بحث تحولات قومی و زبانی و نحوه تعامل دولت‌ها با اقوام و زبان(فارسی و پشتو) است. این موضوع چه در گذشته و چه در وضعیت موجود که تحریک اسلامی طالبان دوباره بر سرنوشت کشور تسلط یافته، از اهمیت ویژه برخوردار است؛ چراکه بسیاری از مردم و نویسندگان، حکومت‌های افغانستان را، دولت‌های قوم‌گرا و زبان محور(پشتونیزم) می‌دانند؛ اما در مقابل، دسته‌ای دیگر چنین ادعایی را قبول ندارند. با وجود این دو رویکرد، در شرایط فعلی نیز، هر روز شاهد منازعات زبانی و حذف زبان فارسی از مناطق مختلف افغانستان هستیم. این امر اختصاص به امروز ندارد؛ در گذشته نیز، این مشکل وجود داشته است. مثل پاس نشدن قانون تحصیلات عالی افغانستان از پارلمان در سال ۱۳۹۲ به‌خاطر استفاده شدن لفظ دانشگاه، دانشیار، دانشکده و امثال آن بجای

پوهنتون، پوهنپار و پوهنزی و پوهنوال. استفاده همزمان از زبان فارسی و پشتو در متون رسمی و سخنرانی مقامات دولتی خود بیان گر حساسیت زبان است.

ضرورت تحقیق: علیرغم اهمیت بحث، متأسفانه تا کنون تحقیق علمی معطوف به موضوع به صورت شایسته انجام نشده است. کارهای که انجام شده است، فاقد پشتوانه نظری و روشی متقن است و بیشتر از منظر قومی ورود کرده است. علاوه برآن، برای بیرون رفت از وضعیت موجود و تقویت هر دو زبان رسمی کشور به عنوان الگوهای فرهنگی لازم است که تحقیقات کاربردی انجام شود؛ چالش‌ها شناسایی و راه حل‌های معقول و منطقی ارائه شود. چراکه بیم آن می‌رود، در فرایند زمان هر دو زبان (فارسی و پشتو) به‌خاطر نفوذ زبان‌های دیگر تضعیف شود. چنان‌که توسعه واژگان زبان‌های بیگانه مخصوصاً انگلیسی، فرانسوی و عربی به صورت چشم‌گیری در سطوح مختلف، این زنگ خطر را به صدا درآورده است.

مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

۱. آشنایی با تحولات قومی و زبانی جامعه افغانستان و این‌که قومیت و زبان در افغانستان چه فرایندی را طی کرده است.
۲. تبیین علّی سیاسی شدن قومیت و زبان در افغانستان و این‌که دولت‌ها و حاکمان سیاسی چگونه از دو پدیده قوم و زبان برای حاکمیت و سلطه قومی استفاده کردند و باعث تشدید منازعات قومی و زبانی شدند.
۳. رشد سطح فکری و فرهنگی مردم افغانستان، یعنی این تحقیق به دنبال آن است که از طریق بررسی فرایند تحول قومی و زبانی و نحوه مواجهه دولت‌ها با قوم و زبان، سطح فکری و فرهنگی مردم را تعمق ببخشند، تا در دام قوم‌مداری و زبان‌گرایی قرار نگیرند.
۴. استفاده از طرح، در سیاست‌گذاری‌های ملی و برنامه‌های کلان و راهبردی.

بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

پیرامون «قوم» و «زبان» و چگونگی استفاده دولت‌ها از این دو مقوله در راستای کسب قدرت سیاسی در افغانستان، آثار و تحلیل‌های متکثر و متفاوتی ارائه شده‌اند که هر کدام از بعدی، ابعاد این موضوع را کاویده‌اند. اما نگاه کلی و جامع به آثار موجود، نشان از آن دارد که عمده تحقیقات نگاه یک‌جانه به قوم و یا زبان داشته‌اند. از باب مثال نجیب مایل هروی (۱۳۷۱) در کتاب «تاریخ و زبان در افغانستان» بیشتر روی تاریخ و زبان متمرکز شده، رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی کم‌تری دارد. فضل الله قدسی در تحقیق «جایگاه زبان فارسی در افغانستان پس از تأسیس حکومت مستقل» به جایگاه و تحولات زبان فارسی در افغانستان پرداخته، برخورد حکومت‌ها با زبان فارسی را به سه دوره تقسیم می‌کند و وجه مشترکی هر سه دوره را عدم حمایت حاکمیت‌ها از زبان فارسی می‌داند.

هم‌چنین برخی از نویسندگان با تمرکز بر قوم و شکاف‌های قومی رابطه قوم، مذهب و حکومت را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال عبدالقیوم سجادی (۱۳۸۰) در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت» معتقد است که در سه قرن اخیر تاریخ افغانستان، قومیت به‌عنوان یک مؤلفه اساسی در تشکیل و تثبیت قدرت سیاسی نقش داشته و ساختار قدرت در جامعه افغانستان همواره ساختار «قوم‌مدارنه» بوده است. علی نجفی (۱۳۹۰) در کتاب «افغانستان؛ رنگین کمان اقوام» به‌رغم اینکه به تنوع قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی جامعه افغانستان، پرداخته، اما رابطه آن‌ها را با قدرت سیاسی تبیین نکرده است.

براین اساس، در پژوهش‌های صورت گرفته، عمدتاً قوم یا زبان به‌صورت منفرد مورد بررسی قرار گرفته و یا رابطه قدرت سیاسی با مقوله‌های قوم و زبان، تنها در برخی مقاطع بازنمایی شده است. در حالی که این پژوهش اولاً؛ قومیت و زبان را به‌صورت توأمان در نظر می‌گیرد که چه روندی را طی کرده‌اند؛ ثانیاً؛ نحوه مواجهه قدرت سیاسی (دولت‌ها) را با قوم و زبان در مقاطع مختلف (نظام سلطنت، نظام جمهوریت، جمهوری دموکراتیک، دولت مجاهدین، نظام جمهوری اسلامی و امارت اسلامی طالبان) مورد مذاقه قرار می‌دهد و ثالثاً؛ مصمم است که تحولات قومی و زبانی و مواجهه قدرت سیاسی با اقوام و زبان را در چارچوب

نظری متفاوت؛ یعنی نظریه «عصبیت» ابن خلدون بررسی کند و از این طریق مسیری نوینی را در تحولات قومی و زبانی جامعه افغانستان معرفی نماید.

چهارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش:

چارچوب مفهومی تحقیق حاضر، مبتنی بر نظریه «عصبیت» عبدالرحمن ابن خلدون است؛ یعنی بحث تحولات قومی و زبانی در افغانستان با استفاده از دیدگاه عصبیت ابن خلدون تبیین می‌شود. ابن خلدون متفکر مسلمانی است که در قرن هشتم هجری که به عصر انحطاط موسوم است، ظهور کرد و دیدگاه خود در باب مسائل اجتماعی و تشکیل حکومت‌های اعراب را بر پایه «عصبیت» ارایه داد. در آثار خود به‌ویژه در «مقدمه» باربار تأکید ورزید، برای جامعه‌ی که به صورت قبیله‌ی و قومی زندگی می‌کنند «عصبیت» حکم کیمیا را دارد و باعث انسجام اجتماعی می‌شود. استفاده از نظریه «عصبیت» که به‌طور مستقیم مربوط به قومیت است، ممکن است باعث این پرسش شود که بحث‌های زبانی، چگونه در پرتو عصبیت قابل بحث می‌باشد؟

در پاسخ می‌توان گفت: درست است مفهوم عصبیت به‌عنوان هسته مرکزی «نظریه» ابن خلدون به طور مستقیم به قوم و قبیله مربوط می‌شود و پیوند دودمانی را که در بدو امر از راه نسب و خون به دست می‌آید، عصبیت اصیل می‌داند، اما توجه داشته باشیم که مفهوم عصبیت ابن خلدون منحصر در عصبیت نسبی و دودمانی نیست، بلکه عصبیت ناشی از هم‌پیمانی، دینی و زبانی را نیز، شامل می‌شود. در بحث توانش یا ملکه زبانی، مسائل زبان را در سیاق عمران بشری مطرح کرده، ارتباط زبان با جامعه را، ارتباطی محکم و ناگسستنی می‌داند که تغییر و فساد جامعه به تغییر و فساد زبان می‌انجامد. وی درباره رابطه زبان و حاکمیت معتقد است که حاکمیت از زبان به‌عنوان ابزار برای قانونی کردن سلطه و تحمیل قدرت بهره‌برداری می‌کند. برای نمونه در زمان خلیفه دوم، از این که قدرت در دست حاکم اسلامی بود، سخن گفتن به زبان‌های غیر عربی منع شد و تکلم به زبان بیگانه (عجمی) مکر و فریب‌کاری خوانده شد (ابن خلدون، مقدمه، ۲۰۰۳: ۳۶۰). بدین جهت، زبان‌های غیر عربی در بلاد

مختلف متروک ماند، زیرا «مردم تابع سلطان و بر دین اویند» (همان).

براین اساس، نظریه عصبیت ابن خلدون، به دو دلیل به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده است: نخست این که عصبیت ابن خلدون شامل انواع مختلف عصبیت مانند عصبیت قومی، دینی، زبانی و هم‌پیمانی می‌شود و جوامعی مانند افغانستان را که انواع مختلف عصبیت قومی، مذهبی و زبانی در آن، حضور دارند بهتر تبیین می‌کند. دوم این که دیدگاه ابن خلدون، تحولات قومی و زبانی در افغانستان را - که از سویی متأثر از «عصبیت» قومی و زبانی است و از دیگر سو دولت‌های قوم‌مدار با تفاوت‌های در مقاطع مختلف، در جابجای قوم و زبان نقش عمده داشتند و دارند- بهتر از سایر نظریه‌ها، منعکس می‌کند.

در این جا ممکن است پرسیده شود که دولت‌ها همه چیز را تغییر داده نمی‌تواند و در تحول زبان عواملی چون ارتباطات، تهاجم فرهنگی غرب، گرده‌برداری و رسانه نیز، نقش دارند. در پاسخ باید گفت: اولاً: دخالت عواملی چون تهاجم فرهنگی غرب، ارتباطات، گرده‌برداری و رسانه، در تحول زبان در داخل یک زبان مطرح است؛ درحالی که منظور اصلی در تحقیق حاضر، جابجای دو زبان فارسی و پشتو است. ثانیاً: در بررسی و مقایسه تحول زبان فارسی، خوبست جامعه ایران با افغانستان مقایسه نشود، زیرا کشور افغانستان از آغاز استقلال به خصوص در صد سال اخیر بر پایه ناسیونالیسم قومی شکل گرفته است، نه دولت-ملت یا ناسیونالیسم مدرن. به این معنا که در افغانستان، «عصبیت قومی» با «قدرت رسمی» عجین شده است و حاکمان قوم‌گرا از ناسیونالیسم قومی و قدرت، استفاده ابزاری می‌کنند. بدین جهت، حاکمان قوم‌گرا و دولت‌های قوم‌مدار، عامل اصلی تحول قومی و زبان شمرده می‌شوند. به عنوان نمونه گروه طالبان پس از تسلط بر افغانستان، تابلوهای فارسی دانشگاه را از سر دانشگاه‌ها برداشته و بر می‌دارد و به جای آن تابلوی «پوهنتون» و پشتو نصب کرده است. طبق گزارش‌ها، طالبان در تاریخ دوم عقرب (آبان) ۱۴۰۱ عکس‌ها و نقاشی‌هایی از مشاهیر زبان فارسی را از دیوارهای دهلیز دانشکده ادبیات دانشگاه کابل برداشته است.

از همین رو، پژوهش حاضر، با استفاده از نظریه «عصبیت» ابن خلدون که تصور می‌شود بهتر از سایر نظریه‌ها، وضعیت قومی و

زبانی در افغانستان را، تبیین می‌کند، این فرضیه را مطرح می‌سازد که: «قومیت» و «زبان» از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری قدرت سیاسی در افغانستان بوده و نقش عمده در تشکیل دولت‌های قومی ایفا کرده است. دولت‌های قومی و زبان‌گرا(پشتون‌پس) نماینده قبیله و قوم پشتون محسوب می‌شدند، نه کل مردم افغانستان. البته باید توجه داشت که مواجهه دولت‌ها با قوم و زبان یکسان نبوده، بلکه برخورد حاکمان قوم‌گرا نسبت به قوم و قبیله، در مقایسه با زبان، بسیار تبعیض‌آمیز و شدیدتر بوده است. برای تأیید و یا رد فرضیه تحقیق، ابتدا به بیان آرایه‌های قومی و زبانی در جامعه افغانستان پرداخته می‌شود، سپس مواجهه قدرت سیاسی با قوم و زبان با استفاده از نظریه «عصبیت» ابن خلدون، در دولت‌های مختلف بررسی می‌گردد.

در صورت نیاز، ادامه بحث ضمیمه شود.

متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

قبیله، قوم، گروه قومی، زبان، قدرت و قدرت سیاسی.

در این تحقیق بدنبال پاسخ به این پرسش هستیم که روند تحول قوم و زبان در افغانستان چگونه بوده و مواجهه قدرت سیاسی(دولت‌ها) با قوم و زبان چگونه صورت گرفته است؛ لذا قوم، قبیله و زبان به‌عنوان متغیرهای اصلی و قدرت سیاسی به‌عنوان متغیر فرعی و وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

۳. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

قوم‌مداری، جوامع چندفرهنگی، ساختار اجتماعی، قدرت سیاسی، تبعیض، زبان، افغانستان.

۴. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی):

این تحقیق از لحاظ موضوعی و مکانی مربوط به تحولات قومی و زبانی در جامعه افغانستان است و از نظر زمانی از دوره‌ی نظام سلطنت تا دوره‌ی امارت اسلامی طالبان را در بر می‌گیرد. این مدت که بیش از یک قرن را شامل می‌شود، شش نوع نظام سیاسی و حکومت در افغانستان حضور فعال داشته و هرکدام با تفاوت‌های در سلطه قومی و گزینش نوعیت زبان(فارسی و پشتو) تأثیرگذار بوده‌اند.

۵. روش شناسی پژوهش:

۹-۱. روش تحقیق:

[توصیفی ☐] [تحلیلی ☐] [کمی ☐] [کیفی ☐]

توضیح:

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای ☐ مشاهده ☐ مصاحبه ☐ پرسشنامه ☐

سایر ☐

لطفاً ذکر شود.

۹-۳. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

.....

۹-۴. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

.....

۹-۵. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)

.....

.....
.....
.....
۶-۹. نمونه‌گیری: تمام شماری می‌شود ☐ انجام نمی‌گیرد ☐ انجام می‌گیرد ☐
نمونه‌گیری به روش با حجم یا تعداد نمونه انجام می‌پذیرد.

۶. سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی):

تحقیق حاضر در قالب سه بخش و ده فصل سامان‌دهی شده است.

بخش اول مفاهیم، کلیات و چارچوب مفهومی

فصل اول: کلیات و مفاهیم اساسی

فصل دوم: چارچوب مفهومی و روش تحقیق

بخش دوم: ساختار زبان، قوم و قدرت در جامعه افغانستان

فصل سوم: سیمای اقوام و زبان در افغانستان

فصل چهارم: ساختار قدرت در افغانستان

چیستی و ماهیت قدرت

ماهیت قدرت در افغانستان

بخش سوم: مواجهه و تعامل قدرت سیاسی (دولت‌ها) با قوم و زبان

فصل پنجم: نمودهای قومیت و زبان در نظام سلطنت

فصل ششم: نمودهای قومیت و زبان در نظام جمهوریت

فصل هفتم: نمودهای قومیت و زبان در جمهوری دموکراتیک

فصل هشتم: نمودهای قومیت و زبان در دولت مجاهدین

فصل نهم: نموده‌های زبان و قومیت در نظام جمهوری اسلامی

فصل دهم: نموده‌های قومیت و زبان در امارت اسلامی طالبان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۷. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای

۸. نتایج قابل انتظار از طرح:

- ۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع ☐
- ۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی ☐
- ۳. تهیه سند راهبردی ☐

- ۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد ☐
- ۵. تدوین طرح جامع ☐
- ۶. سایر موارد ذکر شود:

.....

۹. مهم‌ترین منابع و مأخذ فارسی و خارجی:

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	سجادی، عبدالقیوم	جامعه‌شناسی افغانستان			قم	بوستان کتاب	۱۳۸۰
۲	فرهنگ، میر محمدصدیق	افغانستان در پنج قرن اخیر			تهران		۱۳۸۵
۳	علی نجفی،	افغانستان رنگین کمان اقوام				انتشارات میراث خراسان	
۴	پاپلی یزدی، محمد حسین	افغانستان جنگ و سیاست			مشهد	آستان قدس رضوی	۱۳۷۲
۵	کاتب، ملا فیض محمد	سراج التواریخ، ج ۲۱			تهران	انتشارات بلخ	۱۳۷۲
۶	کشکی، صباح الدین	دهه قانون اساسی			کابل	میوند	۱۳۷۵
۷	گریگوریان، وارتان	ظهور افغانستان نوین	عالمی کرمانی		تهران	عرفان	۱۳۸۸
۸	واعظی، حمزه	افغانستان و سازه‌های ناقص هویت ملی			مشهد	انتشارات بدخشان	۱۳۹۳
۹	غبار، میرغلام محمد	افغانستان در مسیر تاریخ					۱۳۹۱
۱۰	طنین، ظاهر	افغانستان در قرن بیستم			تهران	عرفان	۱۳۸۴

۱۱	دانش، سرور	متن کامل قوانین اساسی افغانستان		کابل	انتشارات ابن سینا	۱۳۹۴
۱۲	آقا بخشی، علی	فرهنگ علوم سیاسی		تهران	نشر چاپار	۱۳۷۹
۱۳	پوهنیار، سید مسعود	ظهور و سقوط مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان		پیشاور	چاپ کتابخانه سبا	۱۳۷۵
۱۴	حبیبی، عبدالحی.	جنبش مشروطه در افغانستان		قم	چاپ اسماعیلیا ن	۱۳۷۲
۱۵	حقجو، میرآقا	افغانستان و مداخلات خارجی		قم	انتشارات مجلسی	۱۳۸۰
۱۶	مایل هروی، نجیب	تاریخ و زبان در افغانستان				۱۳۷۱

۱۰. هزینه‌های پرسنلی *

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح و نوع همکاری	سطح تحصیلات	رشته تخصصی	ساعات کار در ماه	مدت همکاری	مبلغ پرداختی در ماه	هزینه
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								

جمع هزینه

*براساس ضوابط آئین نامه های پژوهشی

۱۱. سایر هزینه ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...):

ردیف	شرح	هزینه	ردیف	شرح	هزینه
۱		۵			
۲		۶			
۳		۷			
۴		۸			
مبلغ کل هزینه های اجرای طرح					

۱۲. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

ردیف	عنوان مرحله	شرح خدمات	پیش بینی زمان و درصد پیشرفت کار		درصد پرداخت	نحوه ارائه گزارش
			زمان لازم (روز)	درصد پیشرفت کار		
۱	صفر		۰	۰	۲۰ *	بدون ارائه گزارش
۲	شرح خدمات گزارش مرحله اول طبق نظر مجری (۵۰ درصد از تحقیق)	ارائه گزارش مرحله اول			۳۰	
۳	نهایی	ارائه گزارش نهایی		۱۰۰	۵۰	

* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.